



عبدالکریم بی آزار شیرازی
قسمت دوم



قال: اِنِّي مُهَاجِرٌ اِلَى ذِي
(مکبوت: ۲۶)

هَجْرَت وَ

حج ابراهيم (ع)



کعبه معظمه

از شمال فاو (اور) به کوفه و کربلا تا قدس و مکه و عرفات و تا مزدلفه و مسجد خیف در منی

«ابا یعنی بسید که خدای سبحان پیشینان را از زمان آدم (ع) تا آخرین نفر از مردم این جهان، به سنگهایی آزمود که نه زیان دارد و نه سود، نه می بیند و نه می شنود و آنرا بیت الحرام قرار داد. خانه ای که آنرا برای مردم بیای داشت (الذی جعله للناس فیما هم) و آنرا در دشوارترین و سختترین سنگلاخ بقعه زمین و کم ارتفاعترین نقطه دنیا و از نظر عرض در تنگ ترین وادیه قرار داد. در میان کوههای خشن و رنگهای ریزو روان و چشمه های کم آب و قریه های دور از یکدیگر که در آن نه گاو و گوسفند رشد می گیرد و نه اسب و مادبان، سپس به آدم و فرزندش فرمان داد که به آن سوی روی آورند... تا در معرض آزمایش بزرگ درآیند و خدا آن را سبب رحمت خویش و وسیله رفتن آنان به بهشت خود گرداند.

اگر خدا اراده می فرمود که بیت الحرام خود را در میان باغها و تپهها و زمینهای هموار و درختان پر بسوه و بناهای پیوسته بین گندمهای طلایی رنگ و راههای آبادان قرار دهد، ارزش جزا را بر حسب کوچکی آزمایش بلا ناچیز می گردانید.

اما خداوند بندگانش را با انواع سختیها می آزماید و با مجاهدتهای گوناگون از آنان بندگی می خواهد و آنان را به رویدادهای ناخوش

اسکان ذریه ابراهیم (ع) در مکه
«رَبَّنَا اِنِّي اسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَوْجٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ».

(ابراهیم: ۳۷)
حضرت ابراهیم (ع) که از شهر پرتشم و پرزرق و برق مادی و بت پرست اوربابل به سوی خدا مهاجرت کرده بود، آرزو داشت که ذریه و فرزندانش را دور از مظاهر فریبنده ماده پرستان، در صحرائی طبیعت در کنار خانه محترم الهی اسکان دهد باشد که فرزندان صالح گردند و بجای دنباله روی شیطان و شرک و بت پرستی، خدا را عبادت کنند و نماز را بپا دارند.^{۱۰}

راز اسکان ذریه ابراهیم در وادی غیر ذی ذریع
حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه راجع به راز قرار گرفتن خانه خدا در وادی غیر قابل کشت و دعوت مردم به آن چنین می فرماید:



«باید در این اجتماع عظیم الهی... مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و در راه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند».

امام خمینی

برگردد. هاجر به دنبال وی آمد و گفت: ما را به کنی می سپاری؟ ابراهیم خاموش بود، هاجر پرسید: این فرمان خداست؟ ابراهیم (ع) فرمود: آری.

هاجر اظهار داشت: پس خدا ما را وانخواهد گذاشت.

ابراهیم از هاجر و اسماعیل خداحافظی کرد و به سوی قدس روانه شد و چون به گذرگاه کعبه رسید رو به سوی دره کرد و گفت: خدایا من ذریه خویش را به دره ای بسی کشت و زرع در کنار بیت الحرام تونهادم، پروردگارا! باشد که نمازپرا دارند.

هاجر ظرف آبی که داشت تمام شد و از شدت تشنگی شیرش بخشید و کودکش تشنه ماند فکر کرد که به بالای کوه صفا که نزدیکش بود برود و از بالا به اطراف بنگرد شاید آبی بیابد و یا کسی را ببیند از کوه صفا بالا رقت گوش داد مگر صدایی بشنود یا مونس بیابد چیزی نیافت، فرود آمد و چون به دره رسید شروع به دویدن کرد اما تشنگی و خستگی او را از سرعت باز می داشت و ناچار هروله کنان با حرکتی میان رفتن و دویدن به سوی کوه مروه شافت از مروه نیز بالا رفت در آنجا نیز صدایی شنید و نه کسی را یافت، این رفت و آمد ۷ بار تکرار شد.^{۱۳}

در دور ششم بر فراز کوه صفا ایستاد و خدا را بخواند و برای اسماعیل کمک خواست و در دور هفتم بر فراز کوه مروه نیز دعا کرد در این هنگام از جایی که اسماعیل را رها کرده بود زمزمه ای شنید. بعد سرعت به سوی اسماعیل روان شد. ناگهان چشمش به چشمه ای افتاد که در کنار فرزندش جوشیدن گرفته و اسماعیل دست خود را در آن پرده و آب می نوشد.

هاجر جلو آب را بست و ظرف خود را پر آب کرد.^{۱۴} و بخاطر صدا و زمزمه دلپذیری که داشت آنرا زمزم نامید.

فرشته ای بدو گفت: بر مردم این دیار از تشنگی بیم مدار که این چشمه برای نوشیدن مهمانان خداست و نیز گفت: زود باشد که پدر اسماعیل بیاید و برای خدا خانه ای بسازند. و محل خانه را نشان داد.^{۱۵}

با قبيله جرهم

واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامناً (بقره: ۱۲۵)

و بسیار مبتلا می فرماید تا کبر و خودستایی از دلهاشان بیرون رود و فروشی در جانشان جایگزین گردد، و تا این آزمایشها، درهای گشاده به سوی فضل و احسان الهی ایجاد کند و سببهای آسان برای بخشایش او فراهم آورد.»^{۱۶}

با توجه به این اسرار و حکمتها می توان دریافت که چرا حضرت ابراهیم (ع) نزدیکترین دوست خدا از سرزمین متمدن و سرسبز و حرم و پراز ناز و ثروت چشم می پوشد. و ذریه خود را به چنین بیابانی خشک و لم یزرع می آورد و در کنار خانه خدا جای می دهد تا بها دارنده نماز و صلوة گردند و به خدا متصل و مربوط شوند.

رابطه نماز با وادی غیر ذی زرع را می توان در چند جهت ذکر کرد:

- تا خداوند بدین وسیله امید ساکنان صحرا و اهل حرم را از غیر خود قطع کند و در نتیجه توکل و اتکایشان تنها به خدا باشد.
- تا اهل دنیا و طاغوتها و تن آسایان در این سرزمین پای نگیرند و مکه همواره از لوث وجود آنها پاک باشد.
- تا تجاره، تجارت را هدف و مقصد اساسی خود قرار ندهند و هدفشان عبادت و بندگی و خدمت به زائران خانه خدا باشد.
- تا استعمارگران و کشورگشایان به طمع ثروتها و ذخائرش آنرا مورد حمله و تاخت و تاز قرار ندهند. [رب اجعل هذا البلد آمناً].
- تا بدینوسیله شرافت و افتخار فقر آشکار شود چرا که خداوند خانه خود را که اولین و بهترین خانه هاست در فقیرترین و بی بهره ترین منطقه دنیا قرار داده است. و فقرا، هم در دنیا از چنانة امن برخوردارند و هم در آخرت.
- همانطور که خداوند کعبه اش را در جایی قرار داده که خالی از تکام زرق و برقه های دنیاست، کعبه معرفتش را نیز تنها در قلب انسانهایی قرار می دهد که خالی از محبت دنیا باشد.^{۱۷}
- البته علی رغم همه کمبودها خداوند در خانه اش نه تنها با غذاهای معنوی بلکه با غذاهای مادی نیز از دوستان و میهمانانش پذیرایی می کند و تشنگی و گرسنگی و کمبودهای بیابان مقدمه لذت و راحتی است که ان قع العسر یسراً (مسلماً و راحتها با سختیاست) و به گفته منوی: آب کم جوشننگی آورده دست تا بجوشد آبست از بالا و پست در تاریخ اسلامی آمده است که ابراهیم (ع) هاجر و اسماعیل را ببرد تا به محل خانه کعبه رسیدند، آنها را آنجا نهاد و چون خواست



«بپاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید.»

امام خمینی

برمی داشت و در ساختمان بکار می برد آن جا همان «مقام ابراهیم» است^{۱۸} و چون بنا پایان رسید با اخلاصی تمام اظهار داشتند:

رَبَّنَا ثَقِیلُ مَنَا انْتِکَ اُمَّتِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ
 پروردگارا: [این خدمت را] از ما بپذیر تویی. که به دعای مردم گوش فرا می دهی و [به اسرار نهان همه] دانایی.^{۱۹}

و این تنها خانه و زیارتگاهی در جهان آنروز بود که دور از آلودگی به شرک و بت برای عبادت گزاران و طواف کنندگان به دست حضرت ابراهیم بنا گشت و یا با تجدید بنای آدم از لوث وجود شرک و بت پاک گردید.

سنگهای خانه خدا:

کوههای حراء، نیره لبنان، طور و حتر
 کوههای نوره، طورسینا، ساعیر و فاران.
 یکی از سنتهای نیکوی ابراهیم (ع) انس و علاقه وی به کوه بود، او نه تنها در کوه زاده شد و دوران کودکی و نوجوانی را در کوه شهر اورشایل (میان فاو و کوفه) گذراند، بلکه در دوران زندگی کوه و صحرا برایش دانشگاهی شبانه روزی بود شبها از ستارگان شب افروز و ماه و خورشید درس خدانشناسی فرا می گرفت و روزها از کوه درس صفا و پاکی، عظمت و اعتلا، استقامت و پایداری، آزادگی و آزاداندیشی می آموخت و وقتی از فراز کوه به بناها و کاخهای شهر می نگریست آنها را بسان بازیچه های کودکان می دید و چون به قله ها می رسید می دید که چقدر به خدا نزدیکتر شده و آنگاه در محار خدا را عبادت می کرد.

و این سنت را ابراهیم (ع) در ذریه خود بجای گذاشت از اینرو حضرت موسی در کوه طورسینا حضرت عیسی در کوه ساعیر و حضرت محمد (ص) در کوه حراء همواره به سیر و سیاحت و عبادت می گذرانده اند.

از امام باقر (ع) نقل شده که حضرت ابراهیم سنگهای خانه خدا را از پنج کوه جمع آوری کرد:

(۱) کوه حراء (۲) کوه نیره^{۲۰} (کوهی که بر فراز آن ابراهیم می خواست فرزند خود را قربانی کند). (۳) کوه لبنان، (۴) کوه طور (۵) کوه حمر (بنا به گفته طبری کوهی است در دمشق و بنا به گفته بعضی کوهی است در قدس) (۶) در

ویاد آر آنگاه که خانه کعبه را محل مراجعه مردم و پناهگاهی امن برای آنان قرار دادیم. گفته می شود قبیله جرهم که در نزدیکی مکه زندگی می کردند از دور مرغان و پرندگان را دیدند که در وادی مکه فرود می آیند با خود گفتند باید در آن سرزمین آب باشد، از اینرو پیش هاجر آمدند و از او اجازه خواستند که در نزدیک آب زمزم سکونت گیرند و هاجر به آنها اجازه اقامت داد. و با خانواده های آنان مانوس شد و از تنهایی رهایی یافت و اسمعیل با آنان بزرگ شد. و زبان عربی را از آنان فرا گرفت و چون به سن جوانی رسید از میان خود دختری را به ازدواج او درآوردند.^{۲۱}

مأموریت برای بنای خانه مردم

و اذ یؤاتنا لایبراهیم مکان البیت ان لا تشرك بی شئاً و طهریتی للطائفین
 و القانتین و الرکع السجود.
 و [باد کن] آنگاه که مکان خانه (کعبه) را جایگاه ابراهیم قرار دادیم و به او وحی کردیم: چیزی را با من شریک مگیر و خانه مرا برای طواف کنندگان و [به نماز] ایستادگان و رکوع روندگان و سجده برندگان پاکیزه کن.^{۲۲}

حضرت ابراهیم (ع) در سومین سفر خود به مکه اسمعیل را در کنار زمزم دید، او را در آغوش گرفت و مورد مهر و محبت قرار داد، و آنگاه به او گفت:

- ای اسمعیل، خداوند به من مأموریتی داده است.
 - اسمعیل گفت چه مأموریتی؟
 - آیا در این مأموریت بمن کمک می کنی؟
 - آری حتماً تو را یاری می دهم.
 - خداوند به من فرمان داده که در اینجا خانه ای بسازم، آنگاه پیرامون آن بلندی.

و آنگاه با هم پیاخاستند و شروع به پایه گذاری خانه خدا کردند. اسمعیل سنگها را از گوشه و کنار می آورد و حضرت ابراهیم آنها را کار می گذاشت سپس، ابراهیم به اسمعیل گفت: سنگ خوبی برای من بیاور که در پای بنا بگذارم تا برای مردم نشانه ای باشد. جبرئیل ابراهیم را از حجرالاسود آنگاه ساخت و او آن سنگ را برگرفت و در جای خود گذارد. هنگامی که مقداری از آن ساختمان بالا رفت. ابراهیم (ع) که پیر و سالمند بود وقتی از برداشتن سنگها خسته می شد، به روی سنگی رفع خستگی می کرد، سپس سنگ را



توجه داشته باشید که سفر حج یک سفر کسب نیست سفر تحصیل دنیا نیست سفر الی الله است.

امام خمینی (۵۸/۷/۸)

اعلام مراسم حج توسط حضرت ابراهیم در حالی بود که سایر ملت‌ها و قبائل در سائر نقاط جهان از دین پیامبران خدا منحرف شده و خانه‌هایی ساخته بودند برای پرستش بتان، ماه و خورشید و ستارگان و مجسمه‌ها که هر ساله مراسمی شبیه به حج پیرامون آن اجرا می‌کردند.^{۵۵}

□ مصریها، خدایان متعددی را می‌پرستیدند از پرستش خورشید گرفته تا پرستش گاو تا عبادت خدایان سه گانه ازوریس، ایزس و پسرآندو حوریس و آنها را رمز صفات الهی می‌پنداشتند، و مجسمه‌هایی برای این رموز ساخته بودند.

□ آشوریها اله شمس را می‌پرستیدند، و برایش بتی ساخته بودند، به صورت مجسمه ای الهول دارای سر انسان و بدن شیر و بال پرندگان.

□ کنعانیان نیز بعل را عبادت می‌کردند، مانند اله شمس اما بدون بال که آثار آن در معبد بعلبک لبنان به «قلعه بعلبک معروف است».

□ عبادت‌ها و اهل یاشان بعل فقور را می‌پرستیدند.

□ و بعضی از ملت‌ها عشتارون یعنی ماه را در قالب بتی با هیئت زنانه پرستش می‌کردند.^{۵۶}

درخواست مناسک حج برای توبه و بازگشت به خدا

□ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ.

■ هرود گارا! ما را تسلیم فرمان خود گردان

□ وَرَبَّنَا آتِنَا مِلَّةَ مُحَمَّدٍ رَحِيمَكَ.

■ و فرزندان ما را امتی مسلمان [و مطیع فرمان خویش قرار ده] آنچنان که جان و مال خود را در راه تو تسلیم کنند].

□ وَأَرْبَا مَنَاسِكًا

■ و راه و رسم عبادت [و مناسک حج در این مکان مقدس] را بما نشان ده.

□ وَتُبَّ عَلَيْنَا أَيْتُكَ أَيُّهَا الرَّحِيمُ.

■ و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیری مهربانی.

حضرت ابراهیم و اسماعیل پس از اتمام بنای کعبه در حالیکه به دور آن طواف می‌کردند از خدا خواستند که آنها و فرزندان‌شان را مسلمان واقعی گرداند و مناسک و راه و رسم حج و سایر عبادات را به آنان نشان دهد و توبه و بازگشت آنها را بپذیرد.

وَيَذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَيْمَاتِ الْإِنْعَامِ

تورات آمده که نور الهی از کوه طور سینا آمد و از کوه ساعیر بدرخشید و از کوه فاران (کوه مکه) طلوع خواهد کرد.^{۵۲}

غار حرا در کوه نور

غار حرا در کوه مرتفع نور که مشرف بر شهر مکه و خانه خداست یادآور کوه شهر اور و غاری است که حضرت ابراهیم (ع) در آن متولد شد و تا سن هفت سالگی در آن بزرگ شد، و با آن انس گرفت، و گفته می‌شود که مرقد حضرت ابراهیم خلیل (ع) در همین کوه حرا است.^{۵۳}

پیامبر اسلام (ص) نیز با این کوه انس بسیار داشت و برای عبادت بسوی آن می‌شافت، هر روز صبح بز فراز آن صعود می‌کرد و از قله آن به آثار رحمت الهی و بدایع حکمت سبحانی نظر می‌افکند. تا اینکه جبرئیل (ع) بر وی نازل شد و گفت: اقرء باسم ربك الذي خلق...^{۵۴}

«و این همان کوه موعود در تورات است که حضرت موسی (ع) خبر داد که نور الهی از جبل فاران (کوه مکه) درخشان خواهد گردید» و از این رو به آن «جبل النور» یا کوه نور می‌گویند:



پروفسور عبدالاحد داود اسقف سابق کلیسای کاتولیک روم می‌گوید: «این پیشگویی تنها در مورد حضرت محمد (ص) صادق است که از کوه (نور) مکه درخشید و با ده هزار مؤمن وارد مکه شد و شریعت نورانی آورد.»^{۵۵}



در مراسم حج است که باید حجاج ایرانی ملتهای مظلوم را از رمز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آگاه سازند.

آیه الله العظمی منتظری

فكَلُوا مِنْهَا وَاطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ثُمَّ لِيَقْضُوا نَفْسَهُمْ وَلِيُفَوِّا نَذْوَرَهُمْ (حج: ۲۸).

بنا به روایات جبرئیل حضرت ابراهیم (ع) را به صحرائی عرفات برد جائیکه آدم (ع) را از ظهر تا غروب روز نهم ذیحجه برای توبه و بازگشت به خدا به آنجا برده بود. وقتی که آفتاب غروب کرد همراه جبرئیل روانه مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صبحگاهان با طلوع خورشید روانه منی گردید. و در تمام این مراحل حضرت ابراهیم می گفت: **عَرَفْتُ، عَرَفْتُ (شناختم، شناختم)**.^{۵۷}

این مراسم که به فرمان قرآن **«فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ»** به عنوان وقوف در صحرائی عرفات و مشعر هه ساله برگزار می شود و از مهمترین ارکان حج است. یادآور توجه حضرت ابراهیم (ع) از غروب خورشید و ماه و ستاره به خدای پدید آورنده آسمانها و زمین است.

در قدیم بسیاری ماه و خورشید و ستارگان را نه تنها راهنمای خود در مسافرتها می دانستند و به عنوان تقویم آسمانی از آنها استفاده می کردند، و آنها را در رشد و پرورش نباتات و حیوانات و انسان موثر می دانستند بلکه در تربیت و هدایت تشریحی نیز از آنها سرمشق می گرفتند مثلاً نظافت و طهارت را از شفافیت و پاکی آنها و کمک به زیردستان و زکوة را از پرتوافشانی خورشید و ماه به کلیه نیازمندان و حرکات طواف و سعی را از حرکات وضعی و انتقالی سیارات الهام می گرفتند.^{۵۸}

از سوی دیگر بسیاری از امور را با علم نجوم پیش بینی می کردند و شاید حضرت ابراهیم (ع) با توجه به جنبه های تربیتی و هدایتی اجرام آسمانی در برابر ستاره و ماه و خورشید اظهار داشته، «هذا ربي» (این تربیت کننده من است) اما عملاً به آنان نشان می دهد که این هدایتها و تربیتها محدود و ناقص و غیر ثابت بوده انسان را از تربیت و هدایت کامل و دائمی خداوند بی نیاز نمی کرد.

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ

وَأَذْبُوَانَا لِابْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ إِنْ لَانْتَرَكْ بِي شَيْئًا وَطَهْرِيَّتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرَّكْعَ السَّجُودَ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّلْ رَجُلًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي إِبَامِ

معلومات علی مارزفهم من بهیمة الانعام.

و [یاد کن] آنگاه که مکان خانه (کعبه) را جایگاه ابراهیم قرار دادیم و به او وحی کردیم: چیزی را با من شریک مگیر و خانه مرا برای طواف کنندگان و [به نماز] ایستادگان و رکوع روندگان و سجده برندگان پاکیزه کن و در میان مردم برای [ادای] حج ندا ده تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر شده از دوری راه. از دره های عمیق سوی تو آیند. تا شاهد منافع خویشتن باشند. و نام خدا را در روزهای معین یاد کنند.

(سوره حج: ۲۸ و ۲۷)

پس از اینکه حضرت ابراهیم (ع) با کمک فرزندش اسماعیل (ع) خانه خدا را پر پا داشت ندا آمد که میان مردم اعلام حج کن: **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ. ابراهیم پرسید: پروردگارا چه بگویم؟ ندا آمد که بگو: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ** و این نخستین لبیک بود که گفته شد.

گفته می شود که چون وقت حج فرا رسید حضرت ابراهیم روسوی یمن کرد و مردم را به سوی خدا و حج خانه وی دعوت کرد و پاسخ شنید **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ**. آنگاه روسوی مشرق کرد و به سوی خدا و حج خانه خدا دعوت کرد و پاسخ شنید: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ** آنگاه روسوی مغرب کرد و به سوی خدا و حج خانه دعوت کرد و جواب شنید **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ** و آنگاه روبه سوی شام کرد و به سوی خدا و حج خانه وی دعوت کرد و جواب شنید: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ**.^{۵۹}

طواف

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (سوره حج: ۲۹).

یکی از مناسک مهم و اساسی حج که توسط حضرت ابراهیم (ع) ارائه شد، طواف به دور خانه بود طواف یعنی دور چیزی گردیدن و بر گرد چیزی چرخیدن علامت کمال علاقه و محبت یعنی که شخص خود را فدای محبوب می کند و بلاگردان او می شود همچنانکه پروانه آنقدر بر گرد شمع می گردد تا خود را با بال و پر سوخته به پای شمع می افکند.

خانه کعبه، خانه دلهاست

ساحت قدس و جلوه گاه خداست

نیکی بخت آنکه همچو پروانه

در طواف است گرد آن خانه^{۶۰}



«به جهانیان بگوئید در راه حق و اقامه عدل الهی و از هر چیزی حتی مثل اسماعیل ذبیح الله گذشت که

فقال لها وللارض اثيا طوعاً او كرهاً قالتا اتينا طائعين فقضاهن سبع سموات في يومين^{۶۱}

خداوند به آسمان و زمین فرمود به سوی خدا به شوق یا اگرآه بشناید، آنها عرضه داشتند ما با کمال شوق به سوی تومی شتابیم. آنگاه آنها را هفت آسمان در دو روز قرارداد. همچنین پرورش روح تسلیم همگام با تسلیم سایر موجودات زمین و آسمان در برابر خدا:

افغیر دین الله یغفون وله اسلم من فی السموات والأرض طوعاً وكرهاً والیه یرجعون^{۶۲}

آیا آنها دینی جز دین خدا را می جویند در صورتیکه سماواتیان و اهل زمین خواه و ناخواه در برابر او تسلیم هستند و همه به سوی او باز می گردند؟!

چه می خواهند گرد قبه خاک	خبرداری که سیاحان افلاک
چه می جویند از این منزل بریدن	چه می خواهند از این محل کشتن
وزین آمد، شدن مقصودشان چیست	در این محراب که معبودشان کیست
که گفت این را بحسب آنرا بیارام	چرا این ثابت است آن متقلب نام
که این بتها نه خود را می پرستند	مشو نشسته بر این بتها که هستند
بدیدد آرنده خود را طلبکار	همه هستند سرگردان چو پرگار
ولس بتخانه را از بت سپرداز	چو ابراهیم با بت عشق میباز
چو خود را قبله سازی، خود پرستی	ز خود برگشتن است ایزد پرستی
که در راه خدا خود را تسبیحند ^{۶۳}	خدا از عبادان آنرا گزینند



(و باید که به دور خانه کعبه طواف کنند).

از زمانهای کهن میان مذاهب ایرانیان، هندیها و بودائیان و رومیان و غیره این عمل رواج داشت^{۶۴} عملی شبیه به گردش سیارات هفت گانه پیرامون خورشید که ستاره پرستان در زمین پیرامون هیاکل و معابد شمس انجام می دادند. حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خدا این مراسم را از حالت شرک و خورشید پرستی بزدود و آنرا عملی قرار داد شبیه به طواف فرشتگان پیرامون عرش الهی.

وتری الملائكة حافین من حول العرش.^{۶۵}

و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش الهی مشغول طوافند. در روایت آمده که به موازات کعبه در آسمانها بیت معمور است و ملائکه به دور آن طواف می کنند همچنانکه انسانها پیرامون کعبه.^{۶۶}

شاید یکی از فلسفه های طواف پرورش روح اطاعت توأم با اشتیاق از خدا همگام با گردش و اطاعت مشتاقانه زمین و آسمانهای هفتگانه از پروردگار است:

نماز طواف

و شاید نماز طواف، بدنبال طواف نیز تسبیح و نمازی است همگام با نماز و تسبیح سماواتیان و اهل زمین در برابر خدا^{۶۷}:

الم تر ان الله یسبح له من فی السموات والأرض والطیر صافات، کل قد علم صلوته وتسیبحه والله علیم بما یفعلون والله ملک السموات والأرض والی الله المصیر.^{۶۸}

آیا نمی بینی که خدا را همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند حتی مرغان پرگشاده در هوا تسبیح و تقدیس می کنند و همه آنها نماز و تسبیح خود بدانند و خدا به هر چه کنند آگاه است. ملک آسمانها و زمین همه از آن اوست و بازگشت همه خلایق به سوی اوست.

همچنانکه نماز در کنار خانه خدا بدنبال طواف، تشبیهی است به فرشتگان مقرب خدا که پیرامون عرش خدا طواف می کنند و به تسبیح و ستایش پروردگار می پردازند و تری الملائكة حافین حول



کوتاه کردن دست مشرکان زمان، باید سر از پا شناخت حق، جاودانه شود.

امام خمینی

العرش يسبحون بحمد ربهم.^{۶۱}

و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش الهی مشغول طوافند و به تسبیح و ستایش پروردگارشان می پردازند.

وَقَنْ تَنْشِبُهُ بِقَوْمٍ فَهُمْ مِنْهُمْ (کسی که خود را به قومی شبیه گرداند از آنان خواهد بود)^{۶۲}.

عرفات و مشعر ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم (ع) که دوران کودکی و نوجوانی را در کوههای شهر اور بابل گذرانده، کوه و صحرا برایش دانشگاهی شبانه روزی بود و از مطالعه ستارگان شب افروز و خورشید و ماه فروزان، درصهای بسیار آموخته بود اکنون ذریه خود را به صحرا و کوههای عرفات و مشعرالحرام و منی می برد^{۶۳} تا تمامی فرزندان و پیروانش و تمام حجاج و زائرین خانه خدا را در این دانشگاه از غروب ستاره و ماه و خورشید متوجه نقص آنها و نیاز انسان به خدای پدیدآورنده آسمانها و زمین گرداند و به مرحله یقین برساند.

وَكذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والأرض وليكون من الموقنين
و اینچنین ملکوت [و حکومت مطلقه الهی بر] آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اهل یقین گردند^{۶۴}.

آری! حضرت ابراهیم وقتی که ستاره فروزان زهره یا مریخ را در آسمان می بیند، همان ستاره ای که ستاره پرستان در بابل در برابرش زانو می زدند و عبادت می کردند، برای اینکه توجه آنان را جلب کند و آنان را برانگیزد که به سخنانش گوش دهند با آنان همصدا می شود و می گوید: این رب (مریی و هدایتگر) من است.

و تا به صبح به نظاره می نشیند همینکه ستاره غروب می کند به موقع استدلال دندانشکن خود را برایشان بیان می کند و درحالیکه همه سراپا گوشند تا نظر او را بشنوند، اظهار می دارد که: **يَا أَيُّهَا لَأَجِبُ الْأَقْلِينَ** این غروب کنندگان را دوست ندارم.^{۶۵}

فاذا افضتم من عرفات فاذا كروا الله عند المشعر.

چرا غروب کنندگان دوست داشتی نیستند؟! مسلماً خدا باید جامع همه کمالات بوده از هرگونه نقصی منزّه و میرا بوده باشد تا فطرت کمال جوی آدمی آنرا دوست داشته، تحت ربوبیت و تربیت وی درآید و ستاره و ماه و خورشید که هر سه از خانواده غروب کنندگانند دارای نواقصی هستند که فطرت سالمی چون فطرت ابراهیم نمی تواند آنرا بپذیرد:

۱- غروب کنندگان اسیر زمان بوده زمانی هستند و زمانی نیستند.

۲- غروب کنندگان اسیر مکان بوده در جایی هستند و درجایی نیستند.

۳- غروب کنندگان حادثند و در معرض تغییر و تبدیل و فسادند.

۴- غروب کنندگان در حال گردش بوده نیازمند به گرداننده و محکوم قوانین وی هستند.

۵- غروب کنندگان تأثیرشان به روی ساکنین زمین محدود و موقت است.

۶- غروب کنندگان وفا و دوامی نداشته ساکنین زمین را در تنهایی می گذرانند.

۷- غروب کنندگان هدایت و راهنمایی و روشنایی آنها محدود بوده انسانها را در تاریکی و گمراهی رها می سازند.

۸- غروب کنندگان غروب و خسوف و کسوف و مرگشان برای انسان غم و اندوه و یأس آور است.

۹- غروب کنندگان متعدّدند و باید در برابر هر یک به نحوی خضوع کرد.

و خدای ابراهیم از همه این نواقص منزّه بوده، هست و همیشه است و هیچگاه بندگان خود را تنها نمی گذارد و همواره هدایت کننده و تربیت کننده بندگان خود می باشد، و آنها را از تاریکیها به سوی نور می برد، نوری که در آن ظلمت نیست. هرگز اقول و غروب نمی کند و هرگز نمی میرد و بندگان خود را در غم و اندوه و یأس و نومیدی نمی گذارد. و از قربانی شدن در پیشگاه خداوند یکتا معافند. و هیچگونه نیازی به زمان و مکان و گرداننده ندارد یکتا و بی همتا و بی نظیر است و نیازی به شریک ندارد.



امام خمینی:

گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گرد دیگری نگردید.



آنچه تغیر نپذیرد تویی
 ما همه فانی و بقا بس تو است
 خاک به فرمان تو دارد سکون
 عقد پرستش ز تو گیرد نظام
 و آنکه نمرده است و میبرد تویی
 ملک تعالی و تقدیس تو است
 قبه خضرا تو کسی بیستون
 جز بتو بر هستم پرستش حرام

ادامه دارد

۴۰- در سفر نکونین ۲۱-۲۰-۱۴ آمده است.

«... یک روز صبح مقداری آب و نان برداشت و به هاجر و هاد و کودک را به دوش گذاشت و او را روانه صحرائی بشرطی کرد، وقتی آب مشک تمام شد کودک را به زیر پوته ای گذاشت و چون نمی توانست مرگ کودکش را به بیند مقداری به راه خود ادامه داد و آنگاه روبروی کودک نشست و های های بگریست، خداوند صدای کودک را شنید و فرشته خدا از آسمان به هاجر ندا درداد که چه شده ای هاجر؟ نترس که خدا صدای کودکیت را هر کجا که باشد می شنود. بلند شو و کودک را بدوش بگیر و او را بچشم نگاهدار که من از او امی عظیم پدید خواهم آورد، آنگاه خداوند چشمتش را گشود و چاه آبی را دید پس بسوی آن شافت و مشکش پرآب کرد و کودک را سیراب ساخت. و خدا با آن کودک بود پس او را در صحرا بزرگ کرد و به رشد رساند و در صحرائی تارین (بلکه) بتکلیف گردید.»

۴۱- نهج البلاغه خطبه ۱۲۹.

۴۲- با استفاده از تفسیر کبیر فخر رازی جلد ۸ ص ۱۴۵-۱۴۴.

۴۳- تاریخ طبری جلد ۱ ص ۱۹۳.

۴۴- تاریخ طبری جلد ۱ ص ۱۹۲ جریان پیدایش چشمه زمزم برای اسماعیل در کتاب پرفی رسی «البحار» آمده که خلاصه آن چنین است: «اسماعیل از خدا خواست که او را از نشنگی نسیغواند و در حالی که روی بستر خوابیده بود دعا کرد و در غروب جمعه چشمه ظاهر گردید.»

۴۵- تاریخ طبری جلد ۱ ص ۱۹۳.

۴۶- قصص الانبیاء عبدالوهاب التجار ص ۱۰۵.

۴۷- سوره حج آیه ۲۶.

۴۸- تاریخ ابن اثیر جلد ۲ ص ۲۷.

۴۹- سوره بقره آیه ۱۲۷.

۵۰- کوه شیب: کوهی است میان مکه و منی که از منی دیده می شود و در طرف راست داخل منی به طرف مکه است به نقل از کتاب المصباح.

۵۱- در کتاب قصص الانبیاء ابوالسحاق نیشابوری ص ۷۱ بجای کوه خضر، کوه جودی ذکر شده است.

۵۲- سفینه البحار شیخ عباس قمی ج ۱ ص ۱۴۱.

۵۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۴۷.

۵۴- محمد (ص) در تورات و انجیل.

۵۵- دائرة المعارف اسلامی جلد ۷ ص ۳۰۵.

۵۶- قصص الانبیاء عبدالوهاب التجار ص ۱۰۶.

۵۷- تفسیر برهان جلد ۱ ص ۸۶.

۵۸- کتاب حس بن یقظان ابن طفیل اندلسی ترجمه نویسنده.

۵۹- تاریخ طبری جلد ۱ ص ۱۹۸، علل الشرایع ص ۴۱۶.

۶۰- حج برنامه تکامل ص ۲۱۱.

۶۱- دائرة المعارف اسلامی جلد ۱۵ ص ۳۱۶.

۶۲- سوره زمر آیه ۷۵.

۶۳- المحجة البیضاء ج ۲ ص ۲۰۲.

۶۴- سوره صافات آیه ۱۱.

۶۵- سوره آل عمران آیه ۸۳.

۶۶- از نظامی گنجوی.

۶۷- در ایامه یی اسرائیل نیز طواف و نیایش پیرامون مذبح و خانه خدا به سنت ابراهیم (ع) انجام می شد به عنوان نمونه در کتاب منزهین: ۳۶، متن نماز و نیایش طواف حضرت داود (ع) چنین نقل شده است: «ای خداوند! مرا داد ده زیرا که در کمال خود رفتار نموده و برخدا توکل داشته ام بنابراین لغزش نخواهم کرد. ای خدا مرا بیازما، باطن و قلب مرا مصفا گردان زیرا که وجهت تو در مد نظر من است. و در راه راستی گام برداشته ام، با خداوند باطنی من شکر کنم. و با منافقین نیامیزم، از جماعت بدکاران نفرت دارم و با تبهکاران نخواهم نشست، دستهای خود را در صفا می شویم. مذبح ترا ای خداوند طواف می کنم! آواز حمد ترا به گوش دیگران برسانم و شگفتیهای تو را بیازگو نمایم. ای خدا! منحل آلودگی تو و مقام سکونت جلال تو را دوست منی دارم جانم را با گنهکاران و حیاتم را با مردمان خوریز جمع میکن که در دستهای ایشان آزار است و دست راست آنان پر از رشوه است. و اما من در راه کمال خود سالک می باشم مرا خلاصی ده و بر من رحم نما. پایم در جای هموار قرار دارد. خداوند را در جماعتها متبارک خواهم خواند.» (تورات، منزهین داود شماره ۲۶).

۶۸- سوره نور آیه ۴۲-۴۱.

۶۹- سوره زمر آیه ۷۵.

۷۰- المحجة البیضاء جلد ۱ ص ۲۰۲.

۷۱- عن ابی عبدالله (ع) ان جبرئیل تنهی به الی الموقوف فاقام به حتی غربت الشمس ثم انقض به، فقال: یا ابراهیم اذدلف الی المشعر الحرام فسبت مزدلفة (علل الشرایع ص ۴۳۶ و بحار جلد ۹۶ ص ۲۶۶).

۷۲- سوره انعام آیه ۷۵.

۷۳- سوره انعام آیه ۷۶.